



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 33. No 1. Spring 2025

Received date: 2025.05.15

Acceptance date: 2025.07.26



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1404.32.1.7.4

Swing Activism: The logic of coalition building in the autonomous region of Iraqi Kurdistan

Vali Golmohammadi¹, Mohammad Ali Ghanamizadeh Fallahi²



Abstract

This research uses complex systems theory to analyze the coalition-building behavior of the Iraqi Kurdistan Region as an adaptive system in the turbulent Middle East. Findings indicate that the Kurds engage in “swing activism,” basing strategies on three attractors: regime security, strategic independence, and threat balance. This oscillatory behavior manifests at the micro (competition and cooperation among major parties), intermediate (asymmetric relations with Baghdad), and macro (interactions with external powers) levels, resulting from rational calculations for survival in an anarchic international system. At the micro level, party interactions show a pattern of self-organization and adaptability. At the intermediate level, the relationship with the central government is characterized by economic dependence and historical memory. At the macro level, the Kurds engage with conflicting actors through “active compromise.” This system demonstrates resilience through self-regulating mechanisms, such as diversifying alliances and learning from past experiences. Future challenges, including declining American hegemony and economic dependence, necessitate a shift to “active swing activism,” marked by proactive features, collective intelligence from the diaspora, and resilient institutions. By clarifying the systemic logic behind Kurdish behavior and linking it to swing activism, this research offers a new framework for analyzing quasi-state actors in international relations.

Keywords: Swing activism, Iraqi Kurdistan Region, Systems Theory, Regime Security, Balance of Threat.

1 - Associate Professor, Faculty of Humanities, Department of International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2 - Master student of International Relations, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Social Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۲، شماره ۱، پیاپی (۱۱۹)، بهار ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۴.۳۲.۱.۷.۴

نوع مقاله: پژوهشی

کنشگری آونگی؛ منطق ائتلاف‌سازی اقلیم خودمختار کردستان عراق

ولی گلمحمدی^۱، محمد علی قنّامی‌زاده فلاحی^۲



چکیده

این پژوهش با استفاده از نظریه سیستم‌های پیچیده، رفتار ائتلاف‌سازی اقلیم کردستان عراق را به‌عنوان یک سیستم انطباق‌پذیر در خاورمیانه پر آشوب تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کردها با «کنشگری آونگی»، استراتژی‌های خود را بر سه جاذب سیستمی امنیت رژیم، استقلال استراتژیک و موازنه تهدید استوار کرده‌اند. این رفتار نوسانی در سطوح خرد (رقابت و همکاری احزاب اصلی مانند دموکرات و میهنی)، میانی (روابط نامتقارن با بغداد مبتنی بر وابستگی متقابل منابعی) و کلان (روابط پویا با قدرت‌هایی مانند آمریکا، ایران و ترکیه) مشاهده می‌شود و محصول محاسبات عقلانی برای بقا در نظام آنارشیک بین‌المللی است. در سطح خرد، تعاملات حزبی الگوی خودسامانی و انعطاف‌پذیر را نشان می‌دهد. در سطح میانی، رابطه با دولت مرکزی ترکیبی از وابستگی اقتصادی و حافظه تاریخی است. در سطح کلان، کردها با «سازش فعال» با بازیگران متعارض تعامل می‌کنند. این سیستم پیچیده با مکانیزم‌های خودتنظیمی (تنوع متحدان) و حافظه تاریخی (درس‌گیری از تجربیات گذشته) تاب‌آوری خود را حفظ کرده است. چالش‌های آینده شامل گذار از نظم تک قطبی به چند قطبی، ظهور چین و وابستگی اقتصادی، نیازمند گذار به «کنشگری آونگی فعال» با ویژگی‌های پیش‌کنشی، هوش جمعی دیاسپورا و نهادهای انعطاف‌پذیر است. این پژوهش با تبیین منطق سیستمی رفتار کردها و ادغام آن با مفهوم کنشگری آونگی، چارچوبی نوین برای بازیگری دوفاکتو در روابط بین‌الملل ارائه می‌دهد. واژگان کلیدی: کنشگری آونگی، اقلیم کردستان عراق، نظریه سیستم‌ها، امنیت رژیم، موازنه تهدید.

۱ - دانشیار، دانشکده علوم انسانی، دپارتمان روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

vali.golmohammadi@modares.ac.ir

۲ - (نویسنده مسئول) دانشجوی مقطع ارشد، دانشکده علوم انسانی، دپارتمان روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

fallahi.m@modares.ac.ir

مقدمه

کردهای عراق به عنوان ملتی بی دولت، نمونه بارز یک سیستم انطباق پذیر در محیط بین المللی آنارشیکی هستند. کوهستان های کردستان نه تنها به عنوان پناهگاه فیزیکی، بلکه به مثابه یک «سیستم حائل»^۱ عمل کرده است که امکان بقای هویت کردی را در مواجهه با فشارهای خارجی فراهم ساخته است (Partem, 10-12: 1983). این سیستم زیستی-سیاسی که در طول قرن ها شکل گرفته، دارای خاصیت خودسامانی بوده و در برابر تلاش های سیستم های بزرگتر (دولت های ملی) برای جذب یا حذف آن مقاومت کرده است. تحول تاریخی کردها از جوامع پراکنده کوهستانی و بازیگر مسلح غیر دولتی به بازیگر دوفاکتو مدرن، نمونه ای از تکامل سیستمیک در محیط پر آشوب خاورمیانه است.

در چارچوب نظریه سیستم ها، اقلیم کردستان عراق به عنوان یک زیرسیستم نیمه خودمختار در سیستم بزرگتر عراق و نظام منطقه ای خاورمیانه عمل می کند. این زیرسیستم دارای ویژگی های منحصر به فردی است: (۱) مرزهای سیستمی متغیر (با نفوذپذیری کنترل شده)، (۲) مکانیزم های بازخوردی پیچیده^۲ در تعامل با محیط خارجی، و (۳) قابلیت انطباق پویا. رفتار آونگی کردها در ائتلاف سازی را می توان به عنوان استراتژی «تنظیم هم ایستائی»^۳ این سیستم برای حفظ تعادل در محیطی پر از نوسان تفسیر کرد. خاصیت غیر خطی بودن این سیستم توضیح دهنده رفتار متناقض کردها در روابط خارجی است. از دیدگاه سیستمی، کنشگری آونگی کردها تجلی رفتار انطباقی پیچیده در مواجهه با چندگانگی فشارهای خارجی، سلطه فضای موازنه تهدید و بقاء محور بودن عراق است (Preiser, 2024: 86-90). این رفتار سه سطح سیستمی را در بر می گیرد: در سطح خرد (روابط بین احزاب داخلی)، سطح میانی (تعامل با بغداد) و سطح کلان (روابط با قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای). نظریه سیستم ها نشان می دهد که این نوسان ها نه تصادفی، بلکه محصول جذب گرایی سیستم با سه جاذب اصلی (امنیت رژیم، استقلال استراتژیک و موازنه تهدید) هستند. خاصیت تاریخمندی سیستم نیز توضیح دهنده تداوم این الگوهای رفتاری در طول زمان است.

از منظر سیستمیک، وجود کردهای عراق به عنوان یک خودسازمان دهنده، چالشی جدی برای نظارت و کنترل از سوی سیستم های بزرگتر (دولت بغداد، ترکیه، ایران و ...) به شمار می آید. لذا کنشگری کردها

1 - Buffer System
2 - Feedback loops
3 - Homeostasis

به دو صورت قابل تبیین است: اول، از طریق ایجاد روابط شبکه‌ای با فعالین غیر دولتی و دولتی که در سطح محلی و بین‌المللی بر نوعی از جذابیت‌های سیستمی تمرکز دارند (Faraj & Najm, 2022: 124-126). دوم، با اتخاذ رویکردهایی که به قابلیت‌های فیزیکی و اجتماعی موجود در مناطق کرد نشین متکی است، در واقع به نوعی دیاسپورای کردی که می‌تواند به یک کنشگر مؤثر در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی تبدیل شود (Akkaya, 2012: 1-7). در عرصه بین‌المللی، کردها از استراتژی «سازش فعال» بهره می‌گیرند. این استراتژی به آنها این امکان را می‌دهد که در میدان پیچیده جغرافیایی و سیاسی خاورمیانه، رابطه‌های هم‌افزایانه با بازیگران متنوع و متضاد با منافع خود برقرار کنند. به اشتراک‌گذاری منابع، اطلاعات و قدرت با دیگر گروه‌ها، یکی از محورهای اصلی این سیاست است که باعث افزایش تاب‌آوری و تقویت هویت کردی در برابر چالش‌های درونی و بیرونی می‌شود.

کردها به طور پیوسته در زمان‌های مختلف و در کشمکش‌های چندگانه خاورمیانه، نقش‌های کلیدی ایفا کرده‌اند. به‌ویژه، تحولات سیاسی و نظامی پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران به طور قابل توجهی مسیر کنشگری کردها را تحت تأثیر قرار داد. در دوره رژیم پهلوی، کردها خود را به‌عنوان یکی از ورودی‌های اصلی سیستم سیاسی-اجتماعی که عمدتاً توسط غرب شکل گرفته بود، می‌دیدند. این ورودی، به‌عنوان عامل مؤثر در معادلات قدرت منطقه‌ای، در تلاش برای دستیابی به منافع تاریخی و فرهنگی خود تلاش کرد (Entessar, 2007: 923-924). پس از سقوط رژیم پهلوی، کردها با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی مواجه شدند که به آنها اجازه داد تا در نظام‌های پیچیده و متعدد خاورمیانه، مواضع خود را بازتعریف کرده و خود را از شکل ابزار امنیتی صرف خارج کنند. این شرایط به آنها امکان را داد که گاهی با سیستم‌های موجود همکاری کرده و برخی اوقات نیز در تضاد با منافع آنها عمل کنند. در این پروسه، کردها با استفاده از توانمندی‌ها و منابع داخلی خود، سعی کردند منافع خود را پیش ببرند و از جذب شدن کامل به ساختارهای بزرگتر جلوگیری کنند.

تحولات در سطح بین‌المللی و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای، مثل ترکیه و ایران، این واقعیت را به وضوح نشان می‌دهد که هر یک از این قدرت‌ها نیاز دارند تا از ظرفیت‌های کردی به خوبی بهره‌برداری کنند تا ثبات و توازن در نظام‌های خود را حفظ نمایند و هم‌زمان بتوانند ماهیت نیابتی بودن کردها و اهرم فشارهای خود علیه دیگری را حفظ و تقویت کنند. این وابستگی متقابل به کردها در بحران‌های امنیتی

خاص به عنوان ورودی‌هایی پویا در سیستم خاورمیانه، منجر به وضعیتی شده که کردهای عراق در بسیاری از موارد، به عنوان بازیگران کلیدی در معادلات قدرت عمل کنند. با این حال، در مواردی نیز گاهی دیدگاه‌های کردها بر منافع غرب و سیستم‌های حاکم تعارض داشت و به نوعی خروجی‌های مورد انتظار این سیستم‌ها را تحت تأثیر قرار داد. این واقعیت که کردها توانایی انطباق و تحرک بین نیازهای متناقض قدرت‌های منطقه‌ای و علایق خود را دارند، نشان‌دهنده پیچیدگی وضعیت آنها در سیستم‌های چند لایه و متغیر خاورمیانه است. در واقع، کردستان عراق گاه با سیستم همراه می‌شد و گاه به صورت مستقل عمل کرده و تلاش می‌کرد تا از منافع فرهنگی و سیاسی خود دفاع کند. در نهایت، کنشگری کردها در این زمینه، به عنوان مثال موثری از قابلیت‌های انطباقی و نقش قابل تأمل غیر خطی آنها در سیستم‌های بین‌المللی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Özcan, 2012: 3-7). به همین دلیل رفتار اقلیم خود مختار عراق، کاملاً مشابه دولت‌های آونگی برای عدم اتکا صرف به یک بلوک به دلیل حافظه جمعی و تاریخی که قرارگیری در فضایی که همواره با عدم اطمینان نسبت به بلوک‌های شرق و غرب و تسلط بر ژئوپلیتیک خاص همراه بوده است تا بقاء، امنیت رژیم و استقلال استراتژیک خود را حفظ کنند.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تبیین رفتار ائتلاف‌سازی کردهای عراق در چارچوب نظریه سیستم‌های پیچیده و تحلیل الگوهای کنشگری آونگی آنان در تعامل با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. پژوهش بر این نکته تأکید دارد که چگونه متغیرهای سیستمی شامل فشارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی تأثیر مستقیمی بر استراتژی‌های بقای سیاسی اقلیم کردستان دارند. از این رو، با بررسی این ابعاد، پژوهش به دنبال درک عمیق‌تری از نقش کردهای عراق به عنوان کنشگران مهم در ساختارهای پیچیده بین‌المللی و مناطق در حال تغییر خاورمیانه است و کوشش دارد تا به روشن شدن الگوهای رفتاری و تصمیم‌گیری آنها در زمینه ایجاد ائتلاف‌ها و تعامل با قدرت‌های مختلف بپردازد. پژوهش حاضر سعی دارد تا به سه پرسش اصلی پاسخ دهد:

۱) چگونه ویژگی‌های سیستم پیچیده اقلیم کردستان (غیر خطی بودن^۱، خودسامانی^۲، وابستگی متقابل) بر الگوهای ائتلاف‌سازی آن تأثیر می‌گذارد؟

۲) چه رابطه‌ای بین مکانیزم‌های انطباق پویای سیستم سیاسی کردها و رفتار آونگی آنها در روابط خارجی وجود دارد؟

۳) چگونه تعامل جاذب‌های سیستمی «امنیت رژیم»^۳ و «استقلال استراتژیک»^۴ و «موازنه تهدید»^۵ راهبردهای سیاسی کردها را در محیط منطقه‌ای شکل می‌دهد؟

پیشینه پژوهش

اقلیم کردستان عراق به‌عنوان بازیگر شبه دولتی، در طول دهه‌های اخیر با چالش‌های پیچیده‌ای در عرصه سیاست داخلی و منطقه‌ای مواجه بوده است. با وجود مطالعات متعدد در زمینه تحولات سیاسی، اقتصادی و امنیتی این منطقه، ابعاد نظری ائتلاف‌سازی و اتحادسازی در چارچوب تئوری سیستم‌ها و کنشگری آونگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این نوشتار با بهره‌گیری از این چارچوب‌های نظری، به تحلیل منطق پویا و غیر خطی ائتلاف‌سازی در اقلیم کردستان می‌پردازد. مطالعات پیشین در مورد اقلیم کردستان عراق عمدتاً بر مواردی مانند تحلیل‌های ژئوپلیتیک، دینامیک‌های حزبی و تأثیر بازیگران خارجی بر سیاست خارجی کردستان عراق بوده است. با این حال، نقش سیستم‌های پیچیده و رفتار آونگی در فرایندهای ائتلاف‌سازی نادیده گرفته شده است. در حالی که اقلیم کردستان به‌عنوان یک سیستم سیاسی نیمه مستقل، در تعامل با بازیگران داخلی و

۱ - سیستم‌ها یا مکانیزم غیر خطی روابط بین‌الملل (non-linear systems or mechanism): سیستم‌هایی که تعاملات میان بازیگران بین‌المللی (مانند دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، و نهادهای غیر دولتی) به صورت ساده و قابل پیش‌بینی نیستند، بلکه پیچیده، پویا و وابسته به شرایط متغیر هستند.

۲ - خودسامانی در سیستم (self-organized): به معنی توانایی یک سیستم برای تنظیم، بازسازی و تحول ساختار و رفتار خود بدون نیاز به کنترل بیرونی است. در روابط بین‌الملل، این مفهوم به شکل‌گیری نظم، قواعد و نهادها از دل تعاملات بازیگران بین‌المللی، بدون وجود یک قدرت مرکزی یا نهاد فرادست، مربوط می‌شود.

3 - Regime security

4 - Strategic autonomy

5 - Regime security

خارجی، الگوهای رفتاری نوسانی (بین رقابت-همکاری^۱ و دوست-دشمن^۲) از خود نشان می‌دهد، این پویایی‌ها در چارچوب‌های کلاسیک (مانند رئالیسم یا لیبرالیسم) به صورت ناقص تبیین شده‌اند. یانیو وُلر (۲۰۱۲) در مقاله خود، تحت عنوان «از شورش تا دولت واقعی: منابع بین‌المللی و فرا ملی تبدیل جنبش آزادی‌بخش ملی کرد در عراق به دولت اقلیم کردستان» به اهمیت ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق در شکل‌گیری سیاست خارجی پویای کردستان عراق و استفاده از مزیت جغرافیایی به‌عنوان ابزاری برای بازیگری چند وجهی و بین بلوک‌های قدرت اشاره کرد است. ریژنا خورشید (۲۰۱۴) در پژوهشی به نام «سیاست خارجی دولت منطقه‌ای کردستان پس از سال ۲۰۰۳: یک تحلیل استراتژیک-رابطه»، به تاثیر رقابت‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه بر سر کردستان عراق برای توسعه حوزه نفوذ در عراق بر اتخاذ سیاست رقابت-همکاری بین ایران و ترکیه تاکید کرده است. نوزات سوگوک (۲۰۱۵)، در عنوان پژوهشی خود، «بدون دولت، کردها در حال ظهور هستند: سیاست خارجی غیردولتی و ظهور دولت منطقه‌ای کردستان در عراق»، به دلیل وجود نوعی ابهام سیاسی یا به اصطلاح «وضعیت نامعلوم» کردهای عراق اشاره کرده که چگونه این ابهام به‌عنوان محرکی برای تنوع‌بخشی به سبد متحدین کردها شده است تا بتوانند رژیم یکپارچه خود را بنا کنند. کاروان صالح ویسی (۲۰۱۵)، در پژوهش خود (مسئله کردستان عراق و ایالات متحده ۱۹۶۳-۱۹۷۵) و آلکسی سینیکوف (۲۰۲۲)، در مقاله خود (روابط ایالات متحده و عراق و مسئله کرد ۱۹۷۲-۱۹۷۵) به اهمیت کردهای عراق به‌عنوان نیروی نظامی برای مبارزه با کمونیسم و شوروی و همچنین نیاز متقابل امنیتی کردها به سلاح و در نتیجه متنوع‌سازی شبکه موثلفین آنها اشاره کرده‌اند. دیوید رومانو (۲۰۱۷)، در مقاله خود (ایالات متحده و کردهای عراق: متحدان عجیب) به نوسانی بودن اتحاد کردها و ایالات متحده اشاره کرده که چگونه بعد از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، حمایت‌های آمریکا از کردها سلب شد و آنها را دچار حس بی‌اعتمادی شدید به ایالات متحده کرد و لذا کردها دست به اتخاذ رویکرد چند جانبه‌گرایی برای ایجاد موثلفین کردند. مایکل. ام گانتز (۲۰۱۱)، در پژوهشی به نام «روابط اعراب و کردها و آینده عراق»، به نزاع‌های قومی-نژادی به‌عنوان علل مهم تنوع‌بخشی سیاست خارجی کردها در قبال متحدین برای مقابله با فشار عربی‌سازی کردها اشاره کرده است. سعید نظری (۱۴۰۰)، در پایان‌نامه خود تحت عنوان «منطقه‌ای شدن مسئله کردی؛ مناقشه قدرت و تداوم بی‌نظمی در خاورمیانه»، به تاثیرگذاری نظم بین‌المللی و

1 - Co-opetition

2 - Frenemy

رویکرد ابرقدرت‌ها بر موازنه‌سازی قدرت و ائتلاف‌سازی کردستان عراق توجه کرده است. همچنین، دلشاد میکائیل جبرائیل هرکی (۱۴۰۲) در پژوهش خود به مفهوم امنیت رژیم و کاربست آن و تاثیرگذاری این مفهوم بر ائتلاف‌سازی و سیاست خارجی اقلیم کردستان عراق اشاره کرده است. آرش رئیسی‌نژاد (۱۴۰۳) در کتاب خود، «شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه»، به نقش نیابتی بودن کردها و اوج رفتار نوسانی و چند جانبه آنها میان بازیگران متعدد که دوست و دشمن یکدیگر بوده‌اند اشاره کرده است.

چارچوب مفهومی

چارچوب نظری این پژوهش بر پایه **تئوری سیستم‌ها** در روابط بین‌الملل استوار است که توسط اندیشمندانی چون دیوید ایستون و مورتون کاپلان بسط یافته است. در این چارچوب، **کردستان عراق** به عنوان زیرسیستم پیچیده و انطباق‌پذیر در نظر گرفته می‌شود که در تعامل دینامیک با محیط کلان‌تر (سیستم منطقه‌ای و بین‌المللی) عمل می‌کند. نظریه سیستم‌ها با مفاهیمی همچون **ورودی** (فشارهای خارجی، منابع قدرت)، **فرایند** (تصمیم‌گیری‌های داخلی نخبگان کردی) و **خروجی** (استراتژی‌های ائتلاف‌سازی) ابزاری تحلیلی برای فهم رفتار ائتلاف‌سازی اقلیم کردستان عراق ارائه می‌دهد (Weltman, 1973: 1-6). این رویکرد به‌ویژه برای تبیین **تعادل‌جویی سیستم** در شرایط آشوب‌زای خاورمیانه کاربرد دارد، جایی که اقلیم خودمختار عراق مجبور به حفظ بقا از طریق مانورهای پیچیده ائتلافی هستند (Banerjee et al., 2014: 33-34).

در کنار تئوری سیستم‌ها، این پژوهش از مفهوم **کُنشگری آونگی** که بر گرفته از مفهوم دولت‌های آونگی در روابط بین‌الملل است، بهره می‌برد که ریشه در نظریه‌های موازنه قدرت و دیپلماسی انعطافی و به‌ویژه اهمیت ژئوپلیتیکی یک منطقه دارد (A. Conley et al., 2012: 7-9). کردهای عراق، به عنوان بازیگری فرودست در سیستم آنارشیک بین‌المللی، از **راهبرد آونگی** برای کاهش وابستگی به یک قدرت خاص (مانند آمریکا یا ایران) و افزایش فضای مانور خود استفاده کرده‌اند. این رفتار را می‌توان در چارچوب **نظریه موازنه تهدید استفن والت** نیز تحلیل کرد که بر اساس آن، کردها نه بر اساس قدرت مطلق، بلکه بر اساس ادراک **تهدید** از جانب بازیگرانی مانند ترکیه یا دولت مرکزی عراق اقدام به ائتلاف‌های متغیر می‌کنند. ترکیب این دو چارچوب (سیستم‌ها و کنش آونگی) امکان ارائه تحلیلی چند سطحی و پویا از استراتژی کردستان عراق را فراهم می‌سازد.

در سطح خُرد، **کنشگری آونگی** کردها تجلی یافته‌ترین نمود **استراتژی بقا** در نظم چند قطبی خاورمیانه است. این رفتار نوسانی و آونگی نشان می‌دهد که کردها نه بر اساس ایدئولوژی بلکه بر مبنای **محاسبات عقلانی امنیت رژیم**، موازنه تهدید، **حداکثرسازی استقلال عمل** و به‌ویژه اهمیت ژئوپلیتیکی مناطق تحت اختیار به‌عنوان مزیت ژئوپلیتیکی، میان بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در طول تاریخ در نوسان بوده‌اند (Voller, 2023: 13-14). از یک سو تئوری سیستم‌ها توضیح می‌دهد که چگونه **ساختار درونی احزاب** کرد و فشارهای خارجی مانند رقابت حزب دموکراتیک کردستان، اتحادیه میهنی کردستان^۱ و... بر **فرایند تصمیم‌گیری** آنها تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، مفهوم **کنشگری آونگی** نشان می‌دهد که اقلیم کردستان عراق با احزاب گوناگون خود چگونه از تضادهای قدرت‌های بزرگ برای تحقق اهداف استراتژیک خود بهره‌برداری می‌کند. ترکیب این دو چارچوب نشان می‌دهد که کردستان عراق به‌عنوان **سیستمی نیمه‌خودمختار** در مواقعی تابع محیط بیرونی خود بوده و به نوعی دارای **رفلکس ژئوپلیتیکی** است و برخی موارد نیز خارج از شالوده‌ها و ساختارهای سیستمی عمل کرده و با **بازتولید راهبردهای پیچیده ائتلاف‌سازی**، به صورت فعال در شکل‌دهی به موازنه قوا در زیرسیستم عراق و سیستم منطقه‌ای نقش ایفا می‌کند (Stetter, 2009: 2-5). این تحلیل چند سطحی، هم **انعطاف‌پذیری تاکتیکی** و هم **ثبات استراتژیک در حفظ امنیت رژیم و بقاء اقلیم کردستان عراق** را در چارچوب پارادایم سیستمیک تبیین می‌کند.

روش تحقیق

این پژوهش با بهره‌گیری از **روش تحقیق ترکیبی**، در پی تلفیق رویکردهای کیفی، توصیفی و **تحلیلی** برای بررسی پویایی‌های اتحادسازی و ائتلاف‌سازی در کردستان عراق است. از آنجا که رفتار سیاسی کردها تحت تأثیر عوامل چند سطحی (محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) قرار دارد، روش کیفی با تمرکز بر **تحلیل فرایندهای سیاسی** امکان واکاوی استراتژی‌های کنشگران را فراهم می‌کند. در عین حال، رویکرد **توصیفی-تحلیلی** با ارائه داده‌های تاریخی و مقایسه‌ای، به شناسایی الگوهای تکرارشونده در رفتار آونگی کردها میان قدرت‌های رقیب کمک می‌کند. این ترکیب روش‌شناختی، هم ابعاد پیچیده دیپلماسی کردی را روشن می‌سازد و هم امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها را در چارچوب نظریه سیستم‌ها افزایش می‌دهد. به منظور تضمین اعتبار علمی پژوهش، از **مطالعه موردی** به‌عنوان یکی از

قوی ترین روش های کیفی در علوم سیاسی استفاده شده است. این روش با تمرکز بر **کردستان عراق** به عنوان یک واحد تحلیل منسجم، امکان ردیابی تحولات درونی (مانند رقابت های حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی) و برونی (مانند تعامل با ایران، ترکیه و ایالات متحده) را فراهم می کند. در این پژوهش، از روش های کتابخانه ای جامع شامل بررسی اسناد، کتب علمی معتبر، مقالات مجلات تخصصی و گزارش های رسانه های معتبر بین المللی استفاده شده است. این رویکرد ترکیبی، با تکیه بر تحلیل نظام مند منابع مکتوب و اسناد معتبر، از افتادن پژوهش به دام تقلیل گرایی یا کلی گویی جلوگیری کرده و امکان ارائه تحلیلی مستند و متوازن را فراهم می سازد.

یافته های پژوهش

تعامل جاذبه های سیستمی امنیت رژیم، استقلال استراتژیک و موازنه تهدید در شکل دهی

به راهبردهای سیاسی کردها

جنبش سیاسی کردهای عراق در چارچوب نظام پیچیده ای از فشارهای داخلی و منطقه ای عمل می کند که در آن سه نیروی کلیدی امنیت رژیم (حفظ حاکمیت دولت مرکزی عراق)، استقلال استراتژیک (خودمختاری اقلیم کردستان) و موازنه تهدید (مدیریت خطرات امنیتی) به صورت پویا بر رفتار سیاسی آنها تأثیر می گذارد. این تعامل، راهبردهای کردهای عراق را به سمت **کنشگری آونگی** سوق داده است، به طوری که آنها با تغییر موازنه قدرت، ائتلاف های تاکتیکی خود با بازیگران منطقه ای و بین المللی را تعدیل می کنند. این مقاله با رویکردی سیستمی، تحلیل می کند که چگونه این سه جاذب سیستمی، استراتژی های سیاسی اقلیم کردستان را در محیط بی ثبات خاورمیانه شکل می دهد.

مفهوم امنیت رژیم در تحلیل راهبردهای سیاسی کردهای عراق نیازمند بررسی دوگانه است: هم به عنوان تهدیدی از سوی دولت مرکزی عراق و هم به عنوان دغدغه ای حیاتی برای ساختار سیاسی خود کردها. بر اساس چارچوب تلفیقی امنیت رژیم که به عنوان رویکردی جایگزین در مطالعه پویایی های اتحاد در خاورمیانه مطرح می شود، اولویت اصلی بازیگران سیاسی - اعم از دولت های ملی و نهادهای نیمه خودمختار مانند اقلیم کردستان - تأمین بقا و ثبات رژیم حاکم در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است (گلمحمدی، ۱۳۹۹: ۱۱۸-۱۱۶). این پارادایم به خوبی توضیح می دهد که چرا هم بغداد و هم اربیل، علی رغم تفاوت های ساختاری، رفتار سیاسی خود را تابع محاسبات امنیت رژیم قرار می دهند.

بغداد همواره خودمختاری کردها را از منظر تهدید وجودی برای تمامیت ارضی و مشروعیت رژیم حاکم ارزیابی کرده است. این نگرش ریشه در تاریخی دارد که در آن هر گونه تمرکززدایی قدرت به معنای تضعیف حاکمیت مرکزی تفسیر شده است. اقداماتی مانند قطع بودجه اقلیم در ۲۰۱۴، اشغال نظامی کرکوک در ۲۰۱۷ و محدودیت‌های اعمال شده بر صادرات نفت کردستان، همگی در چارچوب استراتژی بقای رژیم بغداد قابل تحلیل هستند. دولت عراق این اقدامات را نه صرفاً به عنوان اعمال حاکمیت، بلکه به مثابه ضرورتی برای خنثی‌سازی تهدیدات بالقوه‌ای می‌داند که ممکن است الهام‌بخش جنبش‌های تجزیه‌طلبانه دیگر باشد (Abbassi et al., 2022: 184).

از سوی دیگر، احزاب و نهادهای حاکم در اقلیم کردستان نیز با محاسبات مشابهی عمل می‌کنند. برای آنها امنیت رژیم به معنای حفظ دستاوردهای خودمختاری، تداوم کنترل بر منابع اقتصادی (به‌ویژه نفت)، و جلوگیری از بازگشت به دوران سرکوب پیش از ۲۰۰۳ است. این امر منجر به شکل‌گیری نوعی رئالیسم سیاسی درون‌کردی شده است که در آن، رقابت بین حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی نه صرفاً بر سر ایدئولوژی، بلکه حول محور تقسیم منابع قدرت برای تضمین بقای هر دو جناح می‌چرخد. تمایل به اتحادهای خارجی (با آمریکا، ایران یا ترکیه) تابعی است از محاسبات مربوط به تأثیر این روابط بر ثبات داخلی اقلیم و همه‌پرسی جنجالی ۲۰۱۷ استقلال نشان داد که حتی جاه‌طلبی‌های استقلال‌طلبانه نیز زمانی مهار می‌شوند که هزینه‌های آن تهدیدی برای موجودیت رژیم سیاسی حاکم در اربیل محسوب شود.

تعامل بین این دو سطح از امنیت رژیم -تهدید از سوی بغداد و تلاش برای بقا از سوی اربیل- منجر به شکل‌گیری الگویی پیچیده از رفتار سیاسی شده است. کردهای عراق از یک سو می‌کوشند با استفاده از دیپلماسی آونگی (نوسان بین قدرت‌های منطقه‌ای) فشارهای دولت مرکزی را خنثی کنند و از سوی دیگر باید مراقب باشند که این اتحادهای خارجی به حدی نرسد که مشروعیت داخلی نظام سیاسی اقلیم را تضعیف کند. این همان معادله ظریفی است که راهبرد سیاسی کردهای عراق را از نمونه‌های مشابه در منطقه متمایز می‌سازد: نیاز هم‌زمان به مقابله با تهدیدات بیرونی (امنیت رژیم در سطح دولت-ملت) و حفظ تعادل‌های درونی (امنیت رژیم در سطح ساختار خودمختار).

برای حفظ استقلال استراتژیک، اقلیم کردستان عراق به صورت فعالانه از راهبرد آونگی در عرصه دیپلماسی استفاده کرده است. این رفتار شبیه به دولت‌های آونگی در نظام بین‌الملل است که با تغییر

موازنه قدرت، متحدان خود را تعدیل می‌کنند. به دلیل نبود حامی ثابت، کردهای عراق ناگزیر هستند روابط خود را با بازیگران رقیب از جمله آمریکا، ایران، ترکیه و حتی عربستان سعودی، به صورت پویا مدیریت کنند. برای مثال:

۱. آمریکا: حامی اصلی امنیتی کردها پس از ۲۰۰۳ بود، اما با کاهش تمرکز واشینگتن بر عراق، حمایت آن کاهش یافته است.

۲. ایران: با وجود اختلافات ایدئولوژیک، احزاب کردی گاه برای مقابله با فشارهای بغداد به تهران نزدیک شده‌اند.

۳. ترکیه: با وجود این که آنکارا به دلیل ترس از الهام‌گیری کردهای ترکیه، با استقلال کردهای عراق مخالف است، روابط اقتصادی گسترده (به‌ویژه در حوزه انرژی) باعث همکاری‌های تاکتیکی شده است.

این نوسان در ائتلاف‌سازی، نه نشانه بی‌ثباتی، بلکه واکنشی عقلانی به محیط منطقه‌ای پر تنش است. کردها می‌دانند که وابستگی مطلق به هر قدرت خارجی می‌تواند در بلندمدت امنیت آنها را تهدید کند، لذا ترجیح می‌دهند با حفظ روابط با چند بازیگر، فضای مانور استراتژیک خود را گسترش دهند. موازنه تهدید، محور اصلی تصمیم‌گیری‌های امنیتی و سیاسی اقلیم کردستان است. تهدیدات چند لایه‌ای که کردهای عراق با آن مواجه هستند، از جمله مداخلات نظامی ترکیه (عملیات‌های ضد حزب کارگران کردستان)، فشارهای اقتصادی بغداد و نفوذ ایران آنها را وادار به اتخاذ راهبردهای انعطاف‌پذیر کرده است (Omar Issa & Rahim Qader, 202: 347-35). به‌عنوان نمونه، پس از همه‌پرسی جنبه‌جالی استقلال در ۲۰۱۷، کردها با واکنش خشن بغداد و همسایگان مواجه شدند و مجبور شدند از موضع خود عقب‌نشینی کنند. واقعه مذکور نشان داد که موازنه تهدید در برخی مواقع ایجاب می‌کند که کردها از حداکثرخواهی اجتناب کنند. در مقابل، در بحران‌های امنیتی (مانند تهاجم داعش) کردها از خلأ قدرت در عراق استفاده کردند تا با جلب حمایت بین‌المللی، موقعیت خود را تقویت کنند. این راهبرد مبتنی بر سنجش دائمی سطح تهدید و تعدیل مواضع بر اساس آن است. کردهای عراق دریافته‌اند که در محیطی که هیچ تضمینی برای حمایت خارجی وجود ندارد، انعطاف‌پذیری تاکتیکی تنها راه حفظ دستاوردهای سیاسی است.

تحلیل سیستمی ائتلاف‌سازی کردهای عراق در سطح خرد: دینامیک احزاب و منطق درونی

سیستم سیاسی کردستان عراق متشکل از شبکه‌ای پیچیده از احزاب با گرایش‌های ایدئولوژیک و استراتژیک متنوع است. در رأس این سیستم، دو حزب اصلی دموکراتیک کردستان و اتحادیه میهنی قرار دارند که از دهه ۱۹۷۰ تا کنون نقش محوری در سیاست‌گذاری‌ها داشته‌اند. حزب کارگران کردستان^۱ به عنوان بازیگری فرا ملی، علی‌رغم ممنوعیت رسمی، تأثیر غیر مستقیم اما معناداری بر معادلات سیاسی دارد. احزاب کوچک‌تر مانند جنبش گوران (تغییر)، اتحاد اسلامی کردستان و احزاب مسیحی نیز هر کدام به عنوان زیرسیستم‌های تخصصی اقلیم، عمل می‌کنند. این ساختار چند لایه موجب شده سیستم از خاصیت انعطاف‌پذیری ساختاری برخوردار باشد، به طوری که آسیب به یک بخش لزوماً به فروپاشی کل سیستم نمی‌انجامد (Hama & Abdullah, 2020: 1-2).

تاریخچه روابط بین احزاب کردی نشان‌دهنده الگوی پیچیده‌ای از تعارض و همکاری است. جنگ‌های داخلی ۱۹۹۴-۱۹۹۸ بین دو حزب دموکراتیک کردستان و اتحادیه میهنی که به جنگ برادرکشی^۲ معروف شد، نقطه اوج تنش‌ها بود. با این حال، همین احزاب در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ ائتلاف‌های انتخاباتی تشکیل دادند و با یکدیگر رقابت سیاسی بدون منازعه مسلحانه داشتند. حزب کارگران کردستان گاه به عنوان عامل ثالث، گاه با اتحادیه میهنی و برخی مواقع علیه حزب دموکراتیک کردستان هم‌پیمان شده، مانند همکاری‌های نظامی در مناطق مشترک در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۴ علیه داعش و برخی عملیات‌ها علیه ترکیه. همچنین در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ وجود تنش‌های قومی و فرقه‌ای در عراق و به‌ویژه مناطق مشترک میان کردها، حزب کارگران کردستان و اتحادیه میهنی به همکاری در ایجاد نیروهای حفاظتی محلی پرداختند (Eahya, 2020: 35). این همکاری‌ها به منظور حفظ امنیت و سنگرهای دفاعی در برابر حملات احتمالی داعش و دیگر گروه‌ها صورت گرفت. در برخی مناطق

1 - P.K.K

۲ - جنگ داخلی در منطقه کردستان عراق که در متون و ادبیات سیاسی کردها با عنوان «شه‌پی براکوژی» یا جنگ برادرکشی نامیده می‌شود، به مجموعه درگیری‌های نظامی اشاره دارد که بین اصلی‌ترین جناح‌های سیاسی رقیب در این منطقه در طول دهه ۱۹۹۰ میلادی رخ داد. این درگیری‌ها عمدتاً بین حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان شکل گرفتند و به نوعی رقابت قدرتی میان این دو گروه اصلی سیاسی-نظامی تبدیل شدند. این جنگ به دلیل خصومت میان دو جریان سیاسی که هر دو ادعای نمایندگی مردم کرد داشتند، با نام «برادرکشی» در فرهنگ سیاسی کردها ثبت شده است.

مانند سلیمانیه و دهوک نیز همکاری‌های محلی بین اعضای دو حزب برای تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم کرد از جمله هماهنگی‌هایی در ارائه خدمات عمومی و بهبود زیرساخت‌ها نیز مطرح شد.

این نوسان بین رقابت و همکاری، نه تصادفی بلکه محصول منطق سیستمی خاصی است که بر اساس محاسبات پیچیده امنیتی و دسترسی به منابع شکل می‌گیرد. بحران ۲۰۱۷ پس از همه‌پرسی استقلال، بار دیگر توانایی سیستم در بازسازی تعادل را به نمایش گذاشت. دوره پسا داعش تا کنون نمونه‌ای بارز از تعاملات پیچیده حزبی است. در سال ۲۰۱۴، همکاری نظامی حزب دموکراتیک کردستان و اتحادیه میهنی در دفاع از اقلیم در مقابل داعش، علی‌رغم اختلافات عمیق سیاسی، نشان‌دهنده واکنش یکپارچه سیستم در مواجهه با تهدیدات وجودی بود، اما تا سال ۲۰۱۷ این اتحاد به تنش‌های شدید تبدیل شد. نقش حزب کارگران کردستان در این دوره به‌ویژه در مناطق مورد مناقشه مانند سنجار و کرکوک، عاملی تعیین‌کننده بود. انتخابات ۲۰۱۸ و تشکیل دولت ائتلافی جدید در ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که چگونه سیستم از طریق «مکانیسم‌های خودتنظیمی»^۱ به تعادل جدیدی دست یافته است. این دوره خاصیت تاریخ‌مندی سیستم سیاسی کردستان را به‌خوبی نشان می‌دهد (Walker, 2020: 3).

منابع قدرت احزاب اصلی از الگوی متفاوتی تبعیت می‌کند؛ حزب دموکراتیک کردستان با تکیه بر منابع اقتصادی و روابط بین‌المللی، اتحادیه میهنی با سرمایه اجتماعی و شبکه‌های تاریخی و حزب کارگران کردستان با سرمایه نمادین و توان چریکی، اطلاعاتی و نظامی. این تفاوت در منابع، الگوی خاصی از ائتلاف‌سازی را ایجاد کرده است. برای مثال، در انتخابات ۲۰۲۱ ائتلاف حزب دموکراتیک کردستان با احزاب مسیحی و ترکمن‌های اربیل در مقابل ائتلاف اتحادیه میهنی با احزاب اسلامی و گروه‌های ساکن سنجار قرار گرفت. حزب کارگران کردستان نیز از طریق احزاب هم‌فکر مانند جنبش دموکراتیک جامعه (Tevgera Azadi)^۲ در مناطق خاصی نفوذ خود را اعمال می‌کند و هدایت مبارزات مسلحانه را بر

۱ - Self-regulatory mechanism: مکانیسم خودتنظیمی به فرایندهایی اشاره دارد که از طریق آنها سیستم بین‌المللی بدون مداخله مستقیم یک نهاد مرکزی، به سمت تعادل، ثبات یا سازگاری با تغییرات حرکت می‌کند.

۲ - جنبش آزادی یک سازمان سیاسی کردی است که در منطقه کردستان عراق مستقر است. در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد و توسط مصطفی مولودی رهبری می‌شود. این گروه مدافع حقوق کردها، دموکراسی و عدالت اجتماعی است و اغلب از احزاب حاکم در دولت اقلیم کردستان به دلیل فساد و عدم اصلاحات و همکاری با ترکیه انتقاد می‌کند.

عهده دارد (Yarkin, 2015: 40-48). این الگوهای ائتلاف‌سازی، جغرافیای سیاسی پیچیده‌ای را در اقلیم به وجود آورده است. سیستم سیاسی کردستان عراق در سطح خرد، نمونه‌ای بارز از سازمان‌دهی خودجوش پیچیده است که در آن احزاب با گرایش‌های مختلف در چارچوبی پویا با یکدیگر تعامل دارند. تجزیه و تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که این سیستم علی‌رغم دوره‌های مکرر بحران، از انعطاف‌پذیری قابل توجهی برخوردار بوده است. سه عامل کلیدی در این انعطاف‌پذیری نقش داشته‌اند: (۱) تنوع منابع قدرت بین احزاب (۲) وجود مکانیسم‌های غیر رسمی حل اختلاف (۳) توانایی یادگیری از تجربیات گذشته. به نظر می‌رسد در آینده نزدیک، این سیستم بتواند در مواجهه با چالش‌های جدید نیز به بقای خود ادامه دهد، اگرچه ممکن است شاهد تغییر در ترکیب و وزن نسبی احزاب مختلف باشیم.

سطح میانی تعاملات اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق

روابط کردهای عراق با رژیم بعث (۲۰۰۳-۱۹۶۸) نمونه بارز در چارچوب نظریه سیستم‌های پیچیده است. این سیستم تحت تأثیر سه پارامتر کلیدی عمل می‌کرد: (۱) رقابت ایران و عراق، (۲) معادلات جنگ سرد، و (۳) تنش‌های درونی جنبش کردی. رژیم بعث از مکانیزم‌های کنترل سیستمی شامل سرکوب نظامی (عملیات انفال ۱۹۸۸)، اسکان اجباری، تقسیم‌بندی اداری و عربی‌سازی استفاده می‌کرد تا حالت آشوبی سیستم سیاسی کردها را مهار کند (قاسمی، ۱۳۹۵: ۴).

در مقابل، کردها با بهره‌گیری از حلقه‌های بازخورد خارجی (حمایت ایران، آمریکا و اسرائیل) سعی در حفظ تعادل سیستم به نفع خود داشتند.

رقابت ایران و عراق، جاذب اصلی این سیستم بود. محمدرضا پهلوی از استراتژی مهار سیستمی از طریق استفاده حمایت از بارزانی، در پی تضعیف صدام بود. اما در سال ۱۹۷۵ با امضای قرارداد الجزایر به صورت ناگهانی این حمایت را قطع کرد و نشان داد کردها متغیر وابسته در معادلات بزرگتر هستند. صدام نیز از مکانیزم‌های تطبیقی استفاده می‌کرد - گاه با وعده خودمختاری (مانند توافق ۱۹۷۰) و گاه با سرکوب خونین (مانند بمباران شیمیایی حلبچه ۱۹۸۸). این نوسان بین خشونت و مصالحه، ویژگی سیستم‌های غیر خطی با جاذب‌های چندگانه بود که کردهای عراق در آن گرفتار شده بودند.

تحلیل این دوره با چارچوب تئوری سیستم‌ها نشان می‌دهد که:

۱. کردها در این سیستم بیشتر عامل تنظیم‌گر بودند تا بازیگر مستقل.

۲. رژيم بعث از فيدبک‌هاى تقويتى منفى براى سرکوب و فيدبک‌هاى تعديلى براى جذب نخبگان کرد استفاده مى‌کرد.

۳. تغيير ناگهاني پارامترهاى خارجى (مانند قرارداد ۱۹۷۵) مى‌توانست کل سيستم را به حالت آشوب ببرد.

بازيگران شبه دولتي در سيستم‌هاى سلسله مراتبي بين‌المللى اغلب وابستگى مسير شديدى را تجربه مى‌کنند، به‌ويژه زماني که حافظه تاريخى سيستم، مانند تجربه دردناک انفال، بر تصميم‌گيري‌ها و رفتار آنان تاثير ماندگار مى‌گذارد. اين حافظه تاريخى مى‌تواند آستانه‌هاى تحمل سيستم بين‌المللى را تحت تاثير قرار دهد و باعث شود که واکنش‌ها و استانداردهاى بين‌المللى به صورت ناگهاني دچار تحولاتى شوند. در نتيجه، چنين تغييراتى مى‌توانند الگوهاى عملکرد و تعامل اين بازيگران را در سطح بين‌المللى دستخوش دگرگونى‌هاى بنيادين کنند.

روابط پيچيده بين اقليم كردستان و دولت مركزي عراق را بايد در چارچوب يك سيستم سياسى پويا و چندلايه تحليل کرد که از قوانين نظريه سيستم‌هاى پيچيده تبعيت مى‌کند. اين رابطه منحصر به فرد که در طول دو دهه گذشته شکل گرفته، نمايشگر الگويى از وابستگى متقابل نامتقارن است که در آن هر دو طرف هم‌زمان به يکديگر نيازمند هستند و در رقابت هستند. قانون اساسى عراق در سال ۲۰۰۵ با تعريف پارامترهاى اين رابطه -از جمله ماده ۱۴۰ درباره مناطق مورد مناقشه، ماده ۱۱۵ در مورد منابع طبيعى و ماده ۱۲۱ درباره اختيارات مناطق- چارچوب اوليه اين سيستم سياسى را ترسيم کرد (Stansfield, 2017: 73-75). با اين حال، اجراى ناقص اين اصول نشان داد که چگونه يك سيستم سياسى مى‌تواند در عين داشتن قواعد رسمى، از انعطاف پذيرى عملى برخوردار باشد.

بحران مالى سال‌هاى ۲۰۱۸-۲۰۱۴ نقطه عطفى در درک پويائى‌هاى اين سيستم بود. زماني که بغداد بودجه اقليم را قطع کرد، اقليم كردستان عراق واکنش‌هاى انطباقى جالب توجهى از بروز دارد؛ اقليم به فروش مستقيم نفت روى آورد، ساختار مالى خود را متنوع کرد و در نهايت، اين بحران منجر به بازتعريف روابط دو طرف در توافق استراتژيک ۲۰۱۸ شد. اين دوره به وضوح نشان داد که چگونه يك سيستم سياسى مى‌تواند از يك حالت تعادل به حالت تعادل جديدى گذار کند (Shahla Al Kli et al., 2024: 462-464). در سال‌هاى اخير (۲۰۲۰-۲۰۲۳)، اين رابطه به الگوى نوسانى مشخصى رسيده است: تناوب در پرداخت بودجه، مديريت مشترک اما پر تنش ميادين نفتى مانند کرکوک و همکارى‌هاى

امنیتی اما برخی موارد همراه با رقابت در مناطق مورد مناقشه. این نوسان‌ها تصادفی نیستند، بلکه بازتابی از منطق درونی سیستم هستند.

ویژگی‌های سیستم پیچیده به خوبی در این رابطه مشاهده می‌شود. وابستگی متقابل نامتقارن موجب شده که هر اقدام یک طرف، واکنش‌های غیر خطی در طرف مقابل ایجاد کند (NEAGOS, 2022: 132-134). به عنوان مثال، زمانی که بغداد در سال ۲۰۱۴ بودجه اقلیم را قطع کرد، نتیجه نه تضعیف اقلیم، بلکه تقویت انطباق‌پذیری ساختاری و تنوع بخشیدن به منابع درآمد آن بود. سیستم از طریق مکانیسم‌های یادگیری سازمانی به بحران‌ها پاسخ می‌دهد؛ پس از بحران سنجار در سال ۲۰۱۷، دو طرف مکانیسم‌های جدیدی برای مدیریت مناطق مورد مناقشه ایجاد کردند که از تکرار درگیری‌های خونین جلوگیری کند. این نشان‌دهنده توانایی سیستم در یادگیری از تجربیات گذشته است.

در این سیستم پیچیده، هر دو طرف به شکل متقارن اما متفاوتی با مسئله امنیت رژیم مواجه هستند. از دیدگاه بغداد، امنیت رژیم به معنای حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت مرکزی است، حال آنکه برای اقلیم کردستان، این مفهوم به بقای ساختارهای خودمختار و جلوگیری از بازگشت به دوران سرکوب نظام‌مند اشاره دارد. این تقابل دوگانه، سیستم را در حالتی از تعادل پویای استراتژیک نگه داشته است که در آن هر دو طرف به رغم تنش‌های مداوم، از عبور از آستانه‌های بحرانی خودداری می‌کنند. توافق ۲۰۲۳ درباره میادین نفتی نمونه بارزی از این پویایی است. از یک سو، بغداد با پذیرش نوعی مشارکت در مدیریت منابع، عملاً بخشی از حاکمیت خود را به اشتراک گذاشت تا از فروپاشی کامل رابطه جلوگیری کند و از سوی دیگر، اقلیم با تعدیل ادعاهای خود درباره کنترل انحصاری منابع، خطر تحریم‌های بین‌المللی و انزوای منطقه‌ای را کاهش داد (Nasri, 2023: 199-201). این سازش استراتژیک نه از سر حسن نیت، بلکه محصول محاسبات دقیق هر دو طرف درباره هزینه‌های نقض امنیت رژیم طرف مقابل بود. مکانیسم‌های خودتنظیمی این سیستم در بحران‌های اخیر به وضوح مشاهده شده است. هنگام تهدید مشترک (مانند ظهور داعش)، سیستم به سرعت به سمت همگرایی حرکت می‌کند و کنشگری آونگی در رفتار کردها رنگ می‌بازد. در شرایط عادی، رقابت کنترل شده بر سر منابع و اختیارات، سیستم را در حالت بهینه نگه می‌دارد اما رفتار آونگی کردها بیشتر می‌شود. این پویایی نشان می‌دهد که چگونه دو جاذب متعارض می‌توانند نه تنها سیستم را تخریب نکنند، بلکه با ایجاد تعادل پویا، به ثبات غیر رسمی آن کمک نمایند.

سطح کلان تعاملات کردستان عراق (آمریکا، ایران، ترکیه، روسیه، اسرائیل)

ایالات متحده

در دوران جنگ سرد، سیستم روابط آمریکا با کردهای عراق به‌عنوان ابزار مهار دو سویه علیه صدام حسین و نفوذ شوروی عمل می‌کرد. حمایت سیا از بارزانی در دهه ۱۹۷۰ (۱۹۷۲-۱۹۷۵) نمونه کلاسیک سیستم کنترل بهینه در نظریه بازی‌ها^۱ بود، جایی که واشنگتن به صورت حساب شده و به‌عنوان معمار و مدیر سیستم امنیتی خاورمیانه از شورش کردها حمایت می‌کرد حرکات خود را برای حفظ کنترل اوضاع و در عین حال پاسخ دادن به اقدامات دیگران مانند عراق و اتحاد جماهیر شوروی محاسبه کرد، به گونه‌ای که رژیم بعث را تضعیف کرد، اما نه آنقدر که موجب فروپاشی آن شود (Sennikov, 2022: 79). این استراتژی دقیقاً زمانی آشکار شد که آمریکا در ۱۹۷۵ با امضای قرارداد الجزایر بین ایران و عراق، به صورت ناگهانی حمایت از کردها را قطع کرد و نشان داد که در سیستم سلسله مراتبی جنگ سرد، کردها صرفاً به‌عنوان متغیر وابسته عمل می‌کنند.

ایالات متحده سطح مشارکت خود را برای تامین منافع خود بهینه کرده بود و نشان داد که چگونه ورودی‌های کنترلی خود (پشتیبانی از کردها) را بر اساس تغییر شرایط و رفتار سایر بازیکنان در بازی تنظیم می‌کند. در نهایت، ائتلاف کردی-آمریکایی تجلی یک سیستم هم‌تکاملی ناپایدار با ریشه‌های تاریخی عمیق است. در دوران جنگ سرد، این رابطه به‌عنوان ابزار مهار دو سویه علیه صدام و نفوذ شوروی عمل می‌کرد. حمایت سیا از بارزانی (۱۹۷۲-۱۹۷۵) نمونه کلاسیک سیستم کنترل بهینه بود که در آن آمریکا به صورت حساب شده از شورش کردها حمایت می‌کرد. این الگو در دوره معاصر تکامل یافته و امروز مبتنی بر حلقه‌های بازخورد مثبت کوتاه مدت (حمایت نظامی ۲۰۱۴-۲۰۱۷) و بازخوردهای منفی بلند مدت (مخالفت با استقلال) عمل می‌کند. مطالعه تطبیقی عملیات موصل (۲۰۱۶) و همکاری‌های دهه ۱۹۷۰ نشان می‌دهد که چگونه پارامترهای سیستمی شامل سطح

۱ - سیستم کنترل بهینه در نظریه بازی‌ها و سیستم‌ها (Optimal control system in game theory): به چارچوبی راهبردی اطلاق می‌شود که در آن تصمیم‌گیرندگان (معمولاً دولت‌ها یا ائتلاف‌ها) می‌کوشند تا بر تعاملات پویای میان مدت و بلند مدت تأثیرگذار باشند، به گونه‌ای که در چارچوب محدودیت‌ها و شرایط متغیر، مطلوب‌ترین نتایج ممکن را به دست آورند.

تهدیدات امنیتی و ارزش ژئوپلیتیک، الگوهای رفتاری مشابهی را در دوره‌های مختلف ایجاد کرده‌اند (Yesiltas, 2021: 197-201).

ایران

مناسبات ایران در زمان حکومت پهلوی دوم با کردهای عراق نمونه بارز سیستم سلسله مراتبی غیر متقارن بود. محمدرضا شاه با استفاده از مکانیزم فیدبک تقویتی، در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از کردها به عنوان اهرم فشاری علیه بغداد استفاده می‌کرد. اما این سیستم در ۱۹۷۵ با امضای قرارداد الجزایر به صورت ناگهانی تغییر فاز داد و نشان داد که در محاسبات کلان‌تر ژئوپلیتیکی، کردها می‌توانند قربانی تعادل سیستمی بزرگتر شوند، زیرا جنگ‌های کردی شالوده اتحادها در خاورمیانه را به هم ریخته بود (رئییسی نژاد، ۱۴۰۳: ۱۶۵-۱۶۳). پس از انقلاب ۱۳۵۷، این سیستم به حالت نوسانی جدیدی وارد شد که در آن تهران گاه از کردها علیه صدام حمایت می‌کرد (دهه ۱۹۸۰) و گاه با بغداد علیه آنها همکاری می‌نمود.

روابط تهران-اقلیم یک سیستم رقابتی-همکارانه با پارامترهای پیچیده است. ایران از طریق مکانیزم‌های کنترل غیر مستقیم سیستم حمایت از اتحادیه میهنی، نفوذ در احزاب شیعه کرکوک سعی در حفظ تعادل در کردستان عراق دارد (Ecaterina & Marius, 2013: 277). این سیستم دارای حالت‌های دوگانه است: در مواقع تهدید مشترک (مانند مقابله با داعش) به سمت همکاری می‌رود و در شرایط عادی به رقابت می‌گراید که عمده این رقابت‌ها سرچشمه در روابط اقلیم با اسرائیل و برخی تحرکات ترکیه علیه منافع ایران در عراق دارد. بحران سنجان (۲۰۱۴-۲۰۱۷) نشان داد که چگونه ایران از مکانیزم‌های فیدبک غیر خطی استفاده می‌کند -از یک سو اجازه عبور کمک‌ها به ایزدی‌ها را داد و از سوی دیگر از نفوذ خود برای محدود کردن حضور حزب کارگران کردستان استفاده کرد. این رفتار دوگانه نشان‌دهنده درک عمیق تهران از دینامیک سیستم سیاسی کردستان است که هر آن و در لحظه کردها می‌توانند بازیگری چند وجهی از خود بروز داده و به منافع ایران ضربه بزنند.

ترکیه

در دوران جنگ سرد، آنکارا روابط خود با کردهای عراق را در چارچوب سیستم امنیتی ناتو مدیریت می‌کرد (Athanassopoulou, 2013: 8-10). همکاری پنهان ترکیه با رژیم پهلوی برای کنترل جنبش‌های کردی، نمونه‌ای از هم‌تکاملی سیستمی علیه تهدید مشترک بود. اما این سیستم پس از کودتای ۱۹۸۰

در ترکیه تغییر پارادایم داد و به سمت رویکرد سرکوب‌گرانه‌تر حرکت کرد. همکاری ترکیه با صدام در دهه ۱۹۸۰ برای مقابله با حزب کارگران کردستان نشان‌دهنده **انعطاف‌پذیری سیستمی** آنکارا در برخورد با مسئله کردها بود، جایی که منافع ملی بر ایدئولوژی مقدم شمرده می‌شد (Coşar Ünal & Harmanci, 2016: 269-271). آنکارا با کردستان عراق یک **سیستم دینامیک با جاذب‌های متعدد** ایجاد کرده است. این سیستم هم‌زمان دارای عناصر **رقابتی** عملیات نظامی علیه حزب کارگران کردستان، **همکارانه** (روابط اقتصادی گسترده) و **رقابتی-همکارانه** (همکاری در انرژی) است (Bakalov, 2021: 38).

بررسی پروژه خط لوله نفت اقلیم به ترکیه (۲۰۲۰-۲۰۲۳) نشان می‌دهد که چگونه آنکارا از **مکانیزم‌های خودتنظیمی سیستم** استفاده می‌کند - در حالی که به خرید نفت از اقلیم ادامه می‌دهد، به عملیات نظامی خود در شمال عراق نیز ادامه می‌دهد. این رفتار ظاهراً متناقض در واقع نشان‌دهنده درک عمیق ترکیه از پیچیدگی‌های سیستم سیاسی کردستان است. بنابراین با مشاهده همکاری‌های اقتصادی ترکیه با اقلیم کردستان، گروه‌های کردی به سمت تعامل و بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری و انرژی پیش رفته‌اند و از سوی دیگر، در پاسخ به عملیات نظامی ترکیه در شمال عراق، موضعی تهاجمی اتخاذ کرده و گاه به اتحادهای موقت با بازیگران منطقه‌ای مخالف ترکیه روی آورده‌اند. این دوگانگی رفتاری، بازتابی از ساز و کار تطبیقی کردها در سیستم پیچیده‌ای است که ترکیه ایجاد کرده است؛ سیستمی که در آن کردها ناگزیر هستند میان مقاومت و همزیستی، بسته به شرایط، در نوسان باشند. این انعطاف‌پذیری نه تنها بقای آنها را در محیطی پر تنش تضمین کرده، بلکه نشان‌دهنده درک آنها از واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه است.

روسیه

مسکو در دوران جنگ سرد با کردهای عراق در چارچوب **سیستم دو قطبی متغیر** رفتار می‌کرد. حمایت دوره‌ای شوروی از جنبش بارزانی در دهه ۱۹۶۰ (در تقابل با نفوذ آمریکا) و سپس قطع این حمایت در ۱۹۷۵ نشان‌دهنده **الگوی رفتاری فرصت‌طلبانه سیستمی** بود. شوروی به صورت سیستماتیک از کردها به عنوان **متغیر تنظیمی** در معادلات منطقه‌ای استفاده می‌کرد، بدون آنکه متعهد به حمایت بلند مدت از آنها باشد. این رویکرد پس از فروپاشی شوروی به **سیستم چند قطبی پیچیده‌تری** تبدیل شد که در آن بازیگران محلی نقش پررنگ‌تری یافتند (Jiang, 2023: 506-507).

روسیه با کردستان عراق یک سیستم فرصت‌محور با پارامترهای متغیر ایجاد کرده است. مسکو از تئوری آشوب کنترل شده برای افزایش نفوذ خود استفاده می‌کند -از یک سو با سرمایه‌گذاری در بخش انرژی (روزنفت ۲۰۱۷-۲۰۲۲) و از سوی دیگر با حفظ روابط خوب با بغداد و تهران. این سیستم دارای حالت‌های چند پایدار است که بسته به شرایط منطقه‌ای تغییر می‌کند (Zavada & Tsebenko, 2022: 62-63). تحلیل قراردادهای انرژی روسیه با اقلیم نشان می‌دهد که مسکو به دنبال ایجاد حلقه‌های بازخورد مثبت در سیستم اقتصادی کردستان است، در حالی که مراقب است از آستانه‌های بحرانی در روابط با دیگر بازیگران عبور نکند. این رویکرد ظریف نشان‌دهنده تسلط روسیه بر پیچیدگی‌های سیستم‌های سیاسی خاورمیانه است.

اسرائیل

روابط تل‌آویو با کردهای عراق در دوران جنگ سرد نمونه جالبی از سیستم غیر خطی با پارامترهای پنهان بود. حمایت موساد از بارزانی در دهه ۱۹۶۰ از طریق حکومت پهلوی دوم، نشان‌دهنده استفاده از استراتژی مهار غیر مستقیم توسط اسرائیل علیه پان‌عرب‌یسم بود (URL 1). این سیستم مبتنی بر محاسبات چند سطحی بود: از یک سو تضعیف عراق بعثی، و از سوی دیگر ایجاد عمق استراتژیک در برابر دشمنان عرب. اسرائیل با درک حساسیت‌های سیستمی منطقه، این حمایت‌ها را همواره در سطحی کنترل شده نگه می‌داشت تا موجب برهم خوردن تعادل منطقه‌ای نشود.

بر پایه سیستم برنامه‌ریزی شده توسط اسرائیل، تل‌آویو از کردها به‌عنوان متغیر کنترل در معادلات منطقه‌ای با همکاری رژیم پهلوی در زمان محمدرضا شاه استفاده می‌کند. ویژگی منحصر به فرد این سیستم، توانایی اسرائیل در ایجاد تغییرات پارامتریک بدون حضور فیزیکی مستقیم از طریق حمایت‌های نظامی و به‌خصوص اطلاعاتی از طریق محور موساد-ساواک بود. کمک‌های نظامی اسرائیل به اقلیم (۲۰۱۵-۲۰۲۰) نشان می‌دهد که تل‌آویو چگونه از مکانیزم‌های بازخورد غیر مستقیم استفاده می‌کند و با ارسال کمک‌های نظامی از مسیرهای غیر مستقیم و حفظ انعطاف‌پذیری در روابط رسمی، از کردها به‌عنوان یک اهرم امنیتی-نیابتی علیه پان‌عرب‌یسم استفاده کرده و دکت‌ترین بن‌گوریون را علی‌رغم اینکه کردها قدرت منطقه‌ای نبودند، پیش می‌برد (یزدانی و شادمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۸-۱۴۷). این رویکرد نشان‌دهنده درک عمیق اسرائیل از دینامیک سیستم‌های پیچیده سیاسی است.

بحث و نتیجه

مناسبات کردهای عراق با بازیگران جهانی و منطقه‌ای، سیستم پیچیده تطبیقی چند لایه‌ای را تشکیل می‌دهد که ریشه در تعاملات تاریخی جنگ سرد دارد. ایالات متحده با ایجاد سیستم هم‌تکاملی ناپایدار، از حلقه‌های بازخورد مثبت کوتاه مدت (حمایت نظامی ۲۰۱۴-۲۰۱۷) و بازخوردهای منفی بلند مدت (مخالفت با استقلال) استفاده می‌کند. ایران از مکانیزم‌های فیدبک غیر خطی در قالب سیستم رقابتی-همکارانه بهره می‌برد، همان گونه که در بحران سنجار (۲۰۱۴-۲۰۱۷) هم‌زمان به ایزدی‌ها کمک کرد و حزب کارگران کردستان را محدود ساخت. ترکیه با الگوریتم‌های تطبیقی پیچیده، ترکیبی از عملیات نظامی و همکاری اقتصادی را پیش می‌برد، در حالی که روسیه با تئوری آشوب کنترل شده، سرمایه‌گذاری‌های انرژی را با حفظ روابط با بغداد و تهران توأم می‌سازد. اسرائیل نیز به‌عنوان بازیگری فرا منطقه‌ای از مکانیزم‌های فیدبک غیر مستقیم در قالب کمک‌های نظامی کنترل شده استفاده می‌کند. الگوهای تعاملی کنونی بازتاب یادگیری تاریخی سیستم از تجربیات گذشته است. در دوران جنگ سرد، آمریکا از کردها به‌عنوان ابزار مهار دو سویه استفاده می‌کرد، الگویی که در دوره معاصر به شکل پیچیده‌تری تکامل یافته است. ایران که در دوره پهلوی از مکانیزم فیدبک تقویتی برای تضعیف عراق بهره می‌برد، امروز به سیستم نوسانی با حالت‌های دوگانه همکاری-رقابت و در طی چند سال اخیر که کردستان تبدیل به یکی از هسته‌های عملیاتی موساد علیه ایران تبدیل شده، به سمت دوست-دشمن با نوسان بیشتر به سمت دشمنی سوق پیدا کرده است. ترکیه با توجه به تجربیات همکاری‌های دهه ۱۹۸۰ با صدام، امروز از استراتژی ترکیبی نظامی-اقتصادی استفاده می‌کند. روسیه و اسرائیل نیز با حفظ پیوستگی تاریخی در رویکردهای خود، الگوهای رفتاری را با شرایط جدید تطبیق داده‌اند. این تحولات نشان‌دهنده ظرفیت انطباق پویای سیستم در پاسخ به تغییر پارامترهای محیط بین‌المللی است.

منطق ائتلاف‌سازی کردها مبتنی بر محاسبات سیستمی چند سطحی است که سه اصل کلیدی را دنبال می‌کند: نخست، تعادل بخشی بین جاذب‌های متعارض (امنیت رژیم در مقابل استقلال استراتژیک)؛ دوم، بهینه‌سازی روابط با بازیگران رقیب از طریق مکانیزم‌های تنظیم غیر خطی؛ و سوم، حفظ انعطاف‌پذیری ساختاری در مواجهه با تغییر پارادایم‌های منطقه‌ای. این سیستم با بهره‌گیری از حافظه تاریخی و یادگیری سازمانی، قادر است در شرایط مختلف به سرعت بین حالت‌های همکاری، رقابت و رقابت-همکاری گذار کند. مطالعه تطبیقی دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که کردها با

درک حساسیت‌های سیستمی منطقه، همواره از آستانه‌های بحرانی که می‌تواند به انزوای بین‌المللی بینجامد، اجتناب کرده‌اند و در عین حال از هر فرصتی برای افزایش خودمختاری عملگرایانه استفاده می‌کنند.

کنشگری آونگی کردهای عراق در سیاست خارجی، نمونه بارز سازگاری سیستماتیک یک بازیگر شبه دولتی در محیطی آناشیک است. از دوران جنگ سرد تا کنون، این کنشگری بر چهار محور استوار بوده است: امنیت رژیم (حفظ ساختارهای خودمختار)، استقلال استراتژیک (حداکثرسازی فضای مانور)، موازنه تهدید (مدیریت خطرات وجودی) و بقا (تداوم موجودیت سیاسی). مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که کردها در دوره‌های مختلف از الگوی نوسانی کنترل شده استفاده کرده‌اند - نزدیکی به شوروی در دهه ۱۹۶۰، همکاری با آمریکا در ۱۹۹۱، تعامل با ایران در ۱۹۸۰ و رابطه پیچیده با ترکیه در دهه ۲۰۱۰ همگی بخشی از این رقص استراتژیک بوده‌اند.

داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که این استراتژی در مقیاس خرد (مانند حفظ خودمختاری پس از ۱۹۹۱) و مقیاس میانی (مانند کسب مشروعیت بین‌المللی پس از ۲۰۱۴) عموماً موفق بوده، اما در مقیاس کلان (دستیابی به استقلال کامل) با محدودیت‌های ساختاری مواجه شده است. بحران ۲۰۱۷ پس از همه‌پرسی استقلال، نقطه اوج این تناقض بود که در آن کردها علی‌رغم محاسبات دقیق سیستمی، آستانه تحمل سیستم بین‌المللی را به درستی ارزیابی نکردند. این ناکامی نشان داد که حتی هوشمندانه‌ترین کنشگری آونگی نیز در برابر پارامترهای کلان نظام بین‌المللی محدود است.

در شرایط کنونی، کردهای عراق با تحولات بنیادین در معماری امنیتی منطقه مواجه هستند که مستلزم بازنگری در الگوهای سستی کنشگری آونگی است. نخست، کاهش تدریجی نقش هژمونیک آمریکا در منطقه موجب دگرگونی حلقه‌های بازخورد سستی شده است. به‌عنوان نمونه، کاهش حضور نظامی آمریکا در شمال عراق از ۵۰۰۰ نفر در ۲۰۲۰ به حدود ۲۵۰۰ نفر در ۲۰۲۳، فضای مانور کردها را در بهره‌گیری از این رابطه متحول ساخته است. دوم، ظهور بازیگران جدیدی مانند روسیه و چین که با معیارهای متفاوتی عمل می‌کنند، پارامترهای تعادلی تازه‌ای را به سیستم تحمیل کرده‌اند. سرمایه‌گذاری ۳ میلیارد دلاری چین در پروژه‌های زیربنایی اقلیم در سال‌های اخیر، نمونه‌ای از این تحولات است. سوم، عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با اسرائیل و تغییر موازنه قوا در خلیج فارس، متغیرهای سیستمی جدیدی را وارد معادله کرده که نیازمند پاسخ‌های استراتژیک نوین است.

تحولات آینده مستلزم عبور از سه چالش ساختاری است:

۱- **چالش هویت:** تعادل بخشی بین هویت کردی و وفاداری به عراق فدرال نیازمند بازتعریف پارامترهای استقلال استراتژیک در چارچوب جدید است. پیشنهاد خودمختاری گسترده در چارچوب فدرالیسم که توسط نخبگان کرد در ۲۰۲۳ مطرح شد، نشان دهنده این تحول فکری است.

۲ - **چالش امنیتی:** تداوم حضور گروه های مسلح غیر دولتی مانند حزب کارگران کردستان و عملیات های ترکیه، امنیت رژیم اقلیم را تهدید می کند. راهکار پیشنهادی، تشکیل نظام امنیتی یکپارچه تحت نظارت دولت اقلیم است که در دستور کار ۲۰۲۴ قرار دارد.

۳ - **چالش اقتصادی:** وابستگی به درآمدهای نفتی و بودجه بغداد، آسیب پذیری سیستم را افزایش می دهد. برنامه پنج ساله تنوع بخشی اقتصادی (۲۰۲۸-۲۰۲۳) که بر توسعه کشاورزی، گردشگری و صنایع کوچک تأکید دارد، پاسخ به این چالش است.

طبق تجربه تاریخی، کردهای عراق باید از کنشگری آونگی واکنشی به کنشگری آونگی فعال گذار کنند. این الگوی جدید سه ویژگی کلیدی دارد:

۱- **پیش کنشی بودن:** پیش بینی تغییرات سیستمی به جای واکنش به آنها.

۲- **دیاسپورای کردی:** بهره گیری از ظرفیت های دیاسپورای کردی در تحلیل روندها.

۳- **انعطاف پذیری ساختاری:** طراحی نهادهای سیاسی-امنیتی با قابلیت تغییر سریع پیکربندی.

کنشگری آونگی کردها محصول پاسخ سیستماتیک به ناپایداری محیطی است که هسته اصلی آن را امنیت رژیم، حفظ استقلال استراتژیک و موازنه تهدید تشکیل می دهد. این سیستم با مکانیزم های انطباقی (تنوع متحدان، نهادسازی) و محدودیت های ساختاری (وابستگی به خارج، تقسیمات داخلی) مشخص می شود. آینده این الگو به توانایی کردها در ترکیب هوشمندی تاریخی که متأثر از حافظه جمعی و تاریخی آنها از حوادث با تحولات نوین منطقه ای است، بستگی دارد. آینده سیاسی کردهای عراق به توانایی آنها در مدیریت تعامل این سه جاذبه سیستمی بستگی دارد. فشارهای فزاینده بغداد و همسایگان (به ویژه ترکیه و ایران) برای محدود کردن خودمختاری اقلیم کردستان ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر، کردها تنها در صورتی می توانند استقلال استراتژیک خود را حفظ کنند که دیپلماسی آونگی را با تقویت نهادهای داخلی (اقتصادی، امنیتی و سیاسی) ترکیب کنند. چالش اصلی آنها یافتن نقطه تعادلی است که هم از انزوا و هم وابستگی مطلق به یک بازیگر خاص جلوگیری کند. در این

میان، موازنه تهدید همچنان کلید اصلی تصمیم‌گیری خواهد بود، زیرا هر گونه تغییر در معادلات منطقه‌ای -مانند کاهش حضور آمریکا یا افزایش نفوذ روسیه و ایران- می‌تواند فضای مانور کردها را محدود یا گسترش دهد. در نهایت، راهبرد کردهای عراق نمونه‌ای بارز از سیاست بقا در محیط چند قطبی است، جایی که بازیگران غیر دولتی برای حفظ موجودیت خود مجبور هستند میان جاذبه‌های متعارض سیستم، هوشمندانه حرکت کنند. موفقیت آنها در گرو حفظ انعطاف در عین تقویت پایه‌های داخلی خودمختاری است

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- رئیسی‌نژاد، آرش (۱۴۰۳). شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه ایران، کردهای عراق و شیعیان لبنان (۱۳۵۷-۱۳۳۷)، ترجمه پریسا فرهادی، تهران: نشر نی، نوبت چاپ اول.
- ۲- شادمانی، مهدیه و یزدانی، عنایت‌اله (۱۳۹۷). دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۰ (۴۰)، ۱۶۸-۱۴۷.
- ۳- گل‌محمدی، ولی (۱۳۹۹). امنیت رژیم و منطق اتحادها در خاورمیانه. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۳ (۳)، ۱۳۲-۱۰۵.
- ۴- میکائیل جبرائیل دلشاد، هرکی (۱۴۰۲). منطق مشارکت راهبردی اقلیم کردستان عراق و ترکیه. پایان‌نامه ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: ولی گلمحمدی.

منابع غیر فارسی

- 1- Abbassi, E., Salehi, S. J., & Salehi, M. (2022). The Oil Policy and Independence of the Kurdistan Regional Government. *Iran and the Caucasus*, 26(2), 183–197. **Doi:10.1163/1573384x-20220206**
- 2- Ahmad Eahya, H. (2020). Iraqi-Kurds from Political Stability to Political Upheaval: 2005 - 2017. *Journal of Law, Policy and Globalization*, 96(34). **Doi:10.7176/jlpg/96-05**
- 3- Akkaya, A. H. (2012). Kurdish Diaspora: Creating New Contingencies in Trans-National Space. *BRILL EBooks*, 55–66. **Doi:10.1163/9781848880825_007**
- 4- Ali Kemal Özcan. (2012). *Turkey's Kurds* (1st ed., pp. 3–7). Routledge.
- 5- Athanassopoulou, E. (2013). *Turkey - Anglo-American Security Interests, 1945-1952* (pp. 8–10). Routledge.
- 6- Banerjee, S., Sule Erçetin, S., & Tekin, A. (2014). Chaos Theory in Politics. In S. Banerjee, Ş. Ş. Erçetin, & A. Tekin (Eds.), *Understanding Complex Systems* (1st ed., pp. 33–34). Springer Netherlands. **Doi:10.1007/978-94-017-8691-1**
- 7- Conley, H., de Hoop Scheffer, A., Weber, G., Baranowski, M., Kleine-Brockhoff, T., S. Glaser, B., Small, A., O. Lesser, I., McIlhenny, W., Mohan, G., Connelly, A., Kausch, K., Ishmael, L., Ünlühisarcıklı, Ö., Quencez, M., & Tausendfreund, R. (2012). Alliances in a Shifting Global Order: Rethinking Transatlantic Engagement with Global Swing States. In

- www.gmfus.org (pp. 7–9). German Marshall Fund of the United States. <https://www.gmfus.org/global-swing-states>
- 8- Dodge, T. (2017). *Iraq – From War to a New Authoritarianism* (1st ed.). Routledge. (Original work published 2013)
- 9- Ecaterina, C., & Marius, L. (2013). The Iranian influence in Iraq: between strategic interests and religious rivalry. *Social Science Open Access Repository*, 13(2), 273–285. <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-447113>
- 10- Entessar, N. (2007). The Kurds in post-revolutionary Iran and Iraq. *Third World Quarterly*, 6(4), 911–933. **Doi:10.1080/01436598408419806**
- 11- Faraj, A. M., & Najm, Z. (2022). The Presence of the Kurdistan Region- Iraq as a Non-state Actor at the International Level. *Journal of University of Human Development*, 8(4), 122–131. **Doi:10.21928/juhd.v8n4y2022.pp122-131**
- 12- Fidan Mirhanoglu. (2023). Oil or State? The Role of the Oil in the Recognition of Kurdish Statehood in Iraqi Kurdistan. *Studies in Ethnicity and Nationalism*, 23(3), 283–298. **Doi:10.1111/sena.12401**
- 13- Gunter, M. M. (1993). A de facto Kurdish state in Northern Iraq. *Third World Quarterly*, 14(2), 295–319. **Doi:10.1080/01436599308420326**
- 14- Hama, H. H., & abdullah, F. hassan. (2020). Political Parties and the Political System in Iraqi Kurdistan. *Journal of Asian and African Studies*, 56(4), 754–773. **Doi:10.1177/0021909620941548**
- 15- Hama, H. H., Abdullah, H., & Faruq Abdul Mawlood. (2024). Securitization of the 2017 Kurdistan independence referendum. *Ethnicities*. **Doi:10.1177/14687968241290799**
- 16- Honigman, J. (2022). Never Mind Betrayal: America's Indifference to the Kurds is a Strategic Blunder. *Journal of Strategic Security*, 15(1), 54–74. **Doi:10.5038/1944-0472.15.1.1973**
- 17- J. Weltman, J. (1973). *Systems Theory in International Relations: A Study in Metaphoric Hypertrophy* (1st ed., pp. 1–6). Lexington Books.
- 18- Jiang, X. (2023). The Diplomatic Relations of the Soviet Union during Cold War. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 8(1), 505–509. **Doi:10.54097/ehss.v8i.4297**
- 19- Middle East Monitor. (2015, September). *Strategic dimensions of the relationship between Israel and Iraqi Kurdistan*. Middle East Monitor. <https://www.middleeastmonitor.com/20150901-strategic-dimensions-of-the-relationship-between-israel-and-iraqi-kurdistan/>
- 20- Mustafa Coşar Ünal, & Fatih Mehmet Harmancı. (2016). Turkey's Struggle with the Kurdish Question: Roots, Evolution, and Changing National, Regional, and International Contexts. *Springer EBooks*, 17, 265–293. **Doi:10.1007/978-3-319-31018-3_15**
- 21- Mustafa, S. D. (2022). Oil Resources in Relations Between Erbil and Baghdad. *Middle East Policy*, 29(3), 71–78. **Doi:10.1111/mepo.12640**
- 22- Nasri, G. (2023). Weapons, Rentier Governance, and Identity Dynamics in Iraq. In *The Arm Races in the Middle East* (pp. 195–208). springer. **Doi:10.1007/978-3-031-32432-1_12**
- 23- NEAGOŞ, R. A. (2022). ASYMMETRIC INTERDEPENDENCE, POWER, AND CRISIS IN INTEGRATED SYSTEMS. *On-Line Journal Modelling the New Europe*, 40(2), 131–137. **Doi:10.24193/ojmne.2022.40.07**
- 24- Nicola, S.-L. (2024). A Tale of Two States? The Kurdistan Region of Iraq Caught Between Conflict and Cooperation with Central Iraq (1991–2020). *Polish Journal of Political Science*, 10(2), 96–126. **Doi:10.58183/pjps.0402si2024**

- 25- Omar Issa, S., & Rahim Qader, P. (2021). Analysis of Military and Political Security Issues in the Kurdistan Region _ Iraq Based on the Barry Buzan's Theory After 2017. *QALAAI ZANIST SCIENTIFIC JOURNAL*, 6(2). Doi:10.25212/lfu.qzj.6.2.12
- 26- Özdemir, V., & Raszewski, S. (2016). State and substate oil trade: the Turkey-KRG Deal. *Middle East Policy*, 23(1), 125–135. Doi:10.1111/mepo.12178
- 27- Partem, M. G. (1983). The Buffer System in International Relations. *Journal of Conflict Resolution*, 27(1), 3–26. Doi:10.1177/0022002783027001001
- 28- Preiser, R. (2024). Complex adaptive systems. *Edward Elgar Publishing EBooks*, 86–90. Doi:10.4337/9781035317967.ch19
- 29- Sennikov, A. I. (2022). Американо-иракские отношения и курдский вопрос в 1972–1975 гг. *Вестник гуманитарного образования*, 4(24), 36–43. Doi:10.25730/vsu.2070.21.049
- 30- Shahla Al Kli, Miller, J., & Waal, A. de. (2024). The coming twilight of a petro-state? Traumatic decarbonization as a driver of political transformation in Iraq. *Environment and Security*, 2(3), 455–473. Doi:10.1177/27538796241237859
- 31- Stansfield, G. (2017). The Evolution of the Political System of the Kurdistan Region of Iraq. *Between State and Non-State*, 61–76. Doi:10.1057/978-1-137-60181-0_4
- 32- Stetter, S. (2009). *Territorial Conflicts in World Society* (2nd ed., pp. 2–5). Routledge. (Original work published 2007)
- 33- Voller, Y. (2023). The Iraqi Kurds and the Cold War: Regional Politics, 1958–1975. *Bustan the Middle East Book Review*, 14(1), 110–112. Doi:10.5325/bustan.14.1.0110
- 34- Walker, H. (2020). Middle East. *Asian Affairs*, 51(2), 409–411. Doi:10.1080/03068374.2020.1747858
- 35- Yarkin, G. (2015). The Ideological Transformation of the PKK regarding the Political Economy of the Kurdish Region in Turkey. *Kurdish Studies*, 3(1), 26–46. Doi:10.33182/ks.v3i1.390
- 36- Yesiltas, O. (2021). Rethinking State-Non-state Alliances: A Theoretical Analysis of the U.S. Kurdish Relationship. *Kurdish Studies*, 9(2), 189–204. Doi:10.33182/ks.v9i2.589
- 37- Yordan Bakalov. (2021). The influence of the Kurdish question on the stability of the middle east and the black sea region. Turkey's new regional militarism. *Zenodo (CERN European Organization for Nuclear Research)*, 5(1). Doi:10.5281/zenodo.5638669
- 38- Zavada, Ya., & Tsebenko, O. (2022). IRAN-IRAQ RELATIONS IN THE CONTEXT OF REGIONAL SECURITY. *National Technical University of Ukraine Journal. Political Science. Sociology. Law*, 1(53), 60–64. Doi:10.20535/2308-5053.2022.1(53).261111

منابع اینترنتی

- 1- URL 1: www.middleeastmonitor.com (access date: 2025/5/2).